

تدوین مدل استعدادیابی ورزشی در نظام آموزش و پرورش ایران

آذر هاشمی^۱، فریده اشرف گنجویی^{۲*}، شیوا آزاد فدا^۳، حمید سجادی هزاوه^۴

- ۱- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.
- ۲- دانشیار مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران*.
- ۳- استادیار مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.
- ۴- استادیار مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

هدف از این پژوهش تدوین مدل استعدادیابی ورزشی در نظام آموزش و پرورش ایران انجام بود. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی، از نظر روش شناسی کیفی با استفاده از نظریه داده بنیاد، مبتنی بر روش نوحاسته بود. جامعه آماری این پژوهش را ۱۵ نفر از صاحب نظران (اعضای هیئت علمی دانشگاه، روسای فدراسیون های ورزشی، روسای کمیته های استعدادیابی، معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش و مربیان ورزشی) تشکیل دادند. نمونه گیری به صورت هدفمند انجام گرفت و تا رسیدن مصاحبه ها به مرحله اشباع نظری ادامه یافت. داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته جمع آوری شدند. روایی پژوهش بر اساس چهار معیار اعتبار، قابلیت تأیید، قابلیت اطمینان و قابلیت انتقال مورد تأیید گرفت. همچنین پایایی معادل ۰/۸۵ گزارش شد. تجزیه و تحلیل یافته ها نشان داد که مدل استعدادیابی ورزشی در نظام آموزش و پرورش ایران شامل سه مرحله (۱) قابلیت های بنیادی، (۲) قابلیت های ساختاری و (۳) پیامد استعدادیابی است. به طور کلی موانع استعدادیابی فرایند استعدادیابی را با چالش روبرو می کنند پیشنهاد می گردد این موانع مرتفع گردند. برای تحقق چنین هدفی داشتن برنامه اصولی برای استعدادیابی، ارائه طرحی جامع در جهت استعدادیابی و تخصیص منابع مالی کافی و وافی به امر استعدادیابی و برقراری ارتباط سازنده بین نهادهای متولی استعدادیابی می تواند مؤثر باشد. همچنین به موجب اینکه فرایند استعدادیابی یک فرایند پیچیده، زمان بر و هزینه بردار است و سرانجام آن لازم است برآیند مطلوب وجود داشته باشد پیشنهاد می گردد محرک های تسهیل کننده این فرایند بیش از پیش تقویت شود. برای این منظور لازم است از تجربیات کشورهای صاحب سبک استفاده شود.

کلید واژه ها: استعدادیابی، استعدادیابی ورزشی، آموزش و پرورش، نظریه داده بنیاد.

Development of a sports talent identification model in the Iranian education system

Abstract

The aim of this study was to develop a model for sports talent identification in the Iranian education system. The present study was based on the applied method, in terms of qualitative methodology using data foundation theory, based on the emerging method. The statistical population of this study consisted of 10 experts (university faculty members, heads of sports federations, heads of talent identification committees, Deputy Minister of Physical Education and Health of the Ministry of Education and sports coaches). Sampling was purposeful and continued until the interviews reached the stage of theoretical saturation. Data were collected through semi-structured interviews. The validity of the study was confirmed based on four criteria of validity, verifiability, reliability and transferability. Reliability of 80% was also reported. The analysis of the findings showed that the sports talent identification model in the Iranian education system includes three stages: 1) basic capabilities, 2) structural capabilities, and 3) the consequence of talent identification. In general, barriers to talent identification challenge the talent identification process. It is suggested that these barriers be removed. To research such a goal, having a principled program for talent identification, presenting a comprehensive plan for talent identification and allocating sufficient and sufficient financial resources for talent identification and establishing a constructive relationship between the institutions in charge of talent identification can be effective. Also, due to the fact that the talent identification process is a complex, time-consuming and costly process, and ultimately it is necessary to have the desired outcome, it is suggested that the stimuli that facilitate this process be further strengthened. For this purpose, it is necessary to use the experiences of countries with style.

Keywords: Talent Search, Sports Talent Search, Education, Grounded Theory

در ورزش، پیشرفت از سطوح ابتدایی به سوی نخبگی فرآیند بسیار پیچیده‌ای است. فرآیند شناسایی شاخص‌ها، ویژگی‌های ورزشکاران نخبه و کشف افراد با استعداد برای شرکت در برنامه تمرینات سازماندهی شده و رسیدن به مقام قهرمانی، یکی از موضوعاتی است که امروزه در ورزش مطرح است. بنابراین در ورزش، انتخاب افراد با استعداد در سنین پایین و سپس پرورش، هدایت، کنترل و ارزیابی آن‌ها در صعود به بالاترین سطح مهارت، همان استعدادیابی است (بیلی و کالینز^۱، ۲۰۱۳: ۲۴۹). حضور موفق ورزشکاران نخبه‌ی جامعه در رشته‌های مختلف ورزشی در صحنه‌های بین‌المللی و جهانی نشانگر رشد اقتصادی و فرهنگی و علمی یک جامعه است و فرآیند شناسایی مستعدترین ورزشکاران و شرکت آن‌ها در برنامه‌ی تمرینی سازمان یافته و منسجم یکی از اولویت‌های کاری دست‌اندرکاران ورزش می‌باشد (محمدی، ۱۳۹۱: ۳۵). شناسایی و کشف به موقع و زود هنگام استعداد برای بدست آوردن این موفقیت مهم‌ترین عامل در ورزش معاصر است (بومپا و بوزیچلی^۲، ۲۰۱۹: ۳۶). و فرآیندی که به وسیله‌ی آن افراد بر اساس نتایج آزمون‌های سنجش عوامل ویژه‌ی هر رشته‌ی ورزشی که احتمال موفقیت‌شان در آن زیادتر است شناسایی و راهنمایی شوند استعدادیابی می‌نامند (ویلیامز و رلی^۳، ۲۰۰۰: ۶۵۸، پامپوس^۴، ۱۹۹۵: ۱۵). همه‌ی افراد می‌توانند بیاموزند اما افراد کمی به سطوح بالای مهارت و چیرگی، دست می‌یابند (ابراهیم و حلاجی، ۱۳۹۱: ۵۰).

استعدادیابی ورزشی، به منزله‌ی یک هنر، کشف افراد با استعداد و انتخاب آن‌ها در سنین پایین و سپس هدایت، نظارت و ارزیابی آنها در صعود به بالاترین سطح از مهارت اهمیت زیادی دارد که از نظر دانشمندان علوم ورزشی، راهی منطقی، کوتاه و مقرون به صرفه برای حضور موفق ورزشکاران در صحنه‌های بین‌المللی است (هیروس و فاکوبایشی^۵، ۲۰۰۸: ۲، ابراهیم و حلاجی، ۱۳۹۱: ۶۲). در تعریف ساده‌تر می‌توان این چنین بیان نمود که هر فردی می‌تواند یاد بگیرد که آواز بخواند، نقاشی کند یا در ورزش ویژه‌ای شرکت کند، اما افراد کمی امکان دست‌یابی به سطوح بالای مهارت را پیدا می‌کنند. در گذشته و حتی امروز نیز در برخی کشورها جوانان به ورزش‌هایی روی می‌آوردند که مبتنی بر عرف، تمایلات فردی و ایده‌های‌شان باشد (لیدور و همکاران^۶، ۲۰۰۵: ۳۱۷). در نهایت هدف اصلی استعدادیابی، شناسایی و انتخاب ورزشکارانی است که بیشترین توانایی را برای رشته‌ای خاص دارا باشند. امروزه، در کنار روش‌های متعددی که بسیاری از کشورهای صاحب نام در ورزش، برای کسب موفقیت در عرصه‌های ورزشی به کار می‌برند. استعدادیابی به منزله‌ی روش علمی، متداول، بدون ضرر، قانون‌مند و مؤثر، با داشتن جنبه‌های مثبت دیگر برای هدایت نوجوانان به سمت ورزش قهرمانی، مورد قبول همگان است ولی برخی مربیان و متخصصان معتقدند استعدادیابی کار مطلوبی نیست چرا که ورزشکاران فقط بنا بر استعداد بالاتر از حد میانگین‌شان ارزیابی می‌شوند. هر چند که این موضوع تا حدودی واقعیت دارد ولی جنبه‌های مثبت زیادی در فرآیند استعدادیابی هست که این نقیصه را برطرف می‌سازد (ابراهیم و حلاجی، ۱۳۹۱: ۴۵).

مطالعه‌ای در سوئد انجام شد که در آن دو گروه از بازیکنان کم سن و سال نخبه‌ی تنیس، از سن ۱۲ الی ۱۴ سالگی تا سن ۲۰ سالگی زیر نظر بودند. برخی از آن‌ها در بزرگسالی بازیکنان موفق شدند و برخی دیگر موفق نبودند. گروه موفق از سه ویژگی (۱)

^۱ Bailey & Collins

^۲ Bompa & Buzzichelli

^۳ Williams & Reilly

^۴ Pampus

^۵ Hirose & Fukubayashi

^۶ Lidor et al

به نظر می‌رسید که آن‌ها در مقایسه با بازیکنان کمتر موفق، لذت بیشتری از بازی تنیس برده‌اند، (۲) آن‌ها کمتر تحت فشار والدین خود بوده‌اند و (۳) در سایر ورزش‌ها به همانند تنیس، خوب بازی می‌کردند؛ برخوردار بودند (براون^۱، ۲۰۰۱). همچنین کمیسیون ورزش استرالیا در راستای بازی‌های ۲۰۰۰ سیدنی، طرحی سه مرحله‌ای را تحت عنوان استعدادیابی به منزله‌ی فاکتوری مهم در هدایت برنامه‌های فوق‌نخبگان پیشنهاد داد که این طرح از سال ۱۹۸۸ با ورزش قایقرانی راه‌اندازی شد و به دلیل موفقیت در این رشته، در رشته‌های دیگر نیز به کار گرفته شد (ابراهیم و حلاجی، ۱۳۹۱: ۴۴).

بنابراین، فرایند استعدادیابی تلاش دارد تا بر پایه‌ی آزمون‌های معین، افراد مستعد را به سمت ورزش‌هایی راهنمایی کند که بیشترین شانس موفقیت را دارند. این آزمون‌ها که براساس سطح آمادگی، میزان رشد و توانایی‌های دختران و پسران طراحی می‌شوند، می‌توانند سطح اجرای آینده‌ی افراد را در رشته‌ی ورزشی مورد نظر پیش‌گویی کنند (مورو، جکسون و دیسچ^۲، ۲۰۰۰). براساس دیدگاه ورزش قهرمانی، نوع و کیفیت استعداد برای هر یک از رشته‌های ورزشی تفاوت دارد. ویلیامز و رلی (۲۰۰۱) معتقدند در شکل ابتدایی و اولیه‌ی خود، مسابقات ورزشی می‌تواند روش مناسبی برای استعدادیابی باشند، زیرا در جریان برخوردها و مبارزات ورزشی است که افراد با استعداد خود را نشان می‌دهند و در مقام‌های بالاتر قرار می‌گیرند. البته باید توجه داشت که بعضی افراد که در مسابقات رشته‌ی معینی از ورزش، در رده‌های بالا قرار نمی‌گیرند می‌توانند در رشته‌های دیگر توفیق بیشتری به دست آورند. سؤال اینجاست که در کدام ورزش استعداد داشته و آن را پرورش داده‌اند، به این ترتیب می‌توان بین استعدادیابی و پرورش استعداد تفاوت قائل شد و بدون توجه به استعدادیابی، پرورش استعداد امر بی‌بهره‌ای خواهد بود (محمدی، ۱۳۹۱).

کشف به موقع استعدادهای ورزشی بر اساس خصوصیات ژنتیکی و پرورش به موقع این استعدادها، می‌تواند افق جدیدی را همراه با موفقیت بیشتری در مقایسه با روش آزمایش و خطا در ورزش ایجاد کند. لذا وظیفه‌ی ما به عنوان محقق با مربی در راستای یافتن روش‌های شناسایی استعدادهای ورزشی بسیار مهم می‌باشد (اسدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴). فرایند استعدادیابی علمی تلاش دارد تا بر پایه‌ی آزمون‌های معین افراد مستعد را به سمت ورزش‌هایی راهنمایی کند که بیشترین شانس موفقیت را دارند. این آزمون‌ها که براساس سطح آمادگی، میزان رشد و توانایی‌های دختران و پسران طراحی می‌شوند، می‌توانند سطح اجرای آینده‌ی افراد را در رشته‌ی ورزشی مورد نظر پیش‌گویی کنند (مورو و همکاران، ۲۰۰۰). در همین راستا مطالعات کثیری نیز پیرامون فرایند استعدادیابی ورزش‌های مختلف و عواملی که استعدادیابی متأثر از آن‌هاست انجام شده است. برای مثال روشنی و سنائی (۱۳۹۶) در پژوهشی با هدف اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر استعدادیابی در ورزش بسکتبال دختران متوسطه اسلامشهر تهران کشف کردند عوامل رسانه، مالی و نیروی انسانی مهم‌ترین شاخص‌های تاثیرگذار بر استعدادیابی ورزش بسکتبال است. باسره، دوستی و فرزاد (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان تدوین مدل استعدادیابی والیبال در ایران، مدل مربوطه را مشمول هفت مرحله غربال‌گری عمومی در مدارس (شش تا نه سالگی)، شناسایی استعدادها (نه تا ۱۲ سالگی)، گزینش استعدادها (۱۴-۱۲ سالگی)، آموزش (۱۶-۱۴ سالگی)، گزینش استعدادها (نخه ۱۸-۱۶ سالگی)، ارتقای استعدادها (نخه ۲۳-۱۸ سالگی) و والیبال حرفه‌ای بین‌المللی (۲۳ سالگی به بالاتر) می‌دانستند. قاسم‌زاده، رضوی و امیرنژاد (۱۳۹۱) در پژوهشی به مقایسه الگوهای استعدادیابی ورزشی در دوومیدانی ایران و چند کشور منتخب پرداختند. نتایج نشان داد، مهم‌ترین رکن الگوی استعدادیابی در کشورهای منتخب، همکاری با ورزش آموزشگاهی در بخش استعدادیابی و حمایت از افراد منتخب و آموزش مناسب آن‌ها تا

^۱ Brown

^۲ Morrow, Jackson & Disch

رسیدن به سکوی قهرمانی در بخش پرورش استعدادها بوده است. مقایسه الگوهای منتخب با الگوی ایران نیز نشان داد مهم‌ترین چالش موجود در روند استعدادیابی دوومیدانی ایران، عدم تداوم و حمایت از طرح‌های موجود جهت شناسایی و پرورش افراد مستعد می‌باشد. ماهلانگو، نجوکو و لتهوکو^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی به اجرای سیاست ورزش مدرسه برای مدارس دولتی پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن بود که اکثر پاسخ‌دهندگان موافق هستند که بودجه ورزش مدارس ناکافی است و بسیاری از مدارس با امکانات ضعیف یا بدون امکانات اداره می‌شوند. علاوه بر این، اکثر پاسخ‌دهندگان همچنین موافق بودند که مدارس مربی اختصاصی ندارند و این امر توسعه و پرورش استعداد را با مشکل مواجه می‌کند. اکثر مدارس طبق الزامات چارچوب سیاست‌های ورزشی را تدوین کرده‌اند، اما اجرای آنها بسیار ضعیف است. در نتیجه بسیاری از آنها فعالیت‌های ورزشی را در تقویم مدرسه یا برنامه سال ادغام نمی‌کنند. بلیک^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی خود با عنوان فرایندها و قوانین مرتبط با اجرای حرکتی به این مهم دست یافت که استراتژی استعدادیابی باید زمینه‌های تکنیکال، تاکتیکال، فیزیکی و روانشناختی را در خود گنجانده باشد. کالان^۳ (۲۰۱۵) در پژوهشی که هدف از آن شناسایی و توسعه استعداد ورزشی از طریق فرایند مربیگری بود گزارش کرد که در صورت آشنایی مربیان با شاخص‌های استعدادیابی راحت‌تر می‌تواند کودکان مستعد و توانا را شناسایی کرد و در میسر درست قرار داد. هوگو^۴ (۲۰۱۴) در طی پژوهشی مدلی برای استعدادیابی و توسعه برای تیم‌های ورزشی در آفریقای جنوبی طراحی نمود و به این نتیجه رسید که توانایی جسمانی، انعطاف‌پذیری، سرعت، پرتاب و استقامت هوازی از اولویت‌های استعدادیابی در مدارس است. در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های زیادی در زمینه استعدادیابی در ورزش انجام گرفته، بعضی از این پژوهشگران معتقدند که استعدادیابی وقت‌گیر و هزینه‌بر است. از سوی دیگر، نتایج حاصله از استعدادیابی به صورت علمی در کشورهای آلمان، چین، استرالیا، کره و دیگر کشورهای غربی که برندگان مدال‌های مسابقات المپیک و جهانی می‌باشند، کارایی آن را تایید می‌کند و استدلال کرده‌اند که مثلث متخصصان علوم ورزشی، متخصصان طب ورزشی و مربیان می‌تواند در اجرای فرآیند استعدادیابی ورزشکاران، نقش مهمی داشته باشند (ابراهیم و حلاجی، ۱۳۹۱: ۳۲).

با توجه به آنچه بیان شد روشن است که در ورزش، کشف افراد با استعداد و گزینش آن‌ها در سنین پایین و سپس هدایت، کنترل و ارزیابی آن‌ها در صعود به بالاترین سطح از مهارت اهمیت زیادی دارد. با توجه به این که نسل پایه ما بیشتر اوقات خود را در مدارس سپری می‌نمایند، آموزش و پرورش می‌تواند با برنامه‌ریزی اصولی و دقیق، زمینه‌های گزینش و پرورش استعدادها را ورزشی را فراهم کند. لذا فرایند کشف استعداد و هدایت آن‌ها به سوی تیم‌های مختلف ورزشی ملی، به منظور شرکت در برنامه‌های تمرینی سازمان یافته و تخصصی، یکی از انتظارات جامعه از تربیت‌بدنی آموزش و پرورش است. ولی مسئله‌ای که در اینجا ما با آن مواجه هستیم این است که آیا در ادارات آموزش و پرورش، مدیران نگاهی آینده‌نگر به مسائل مختلف بیرونی و درونی استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان دارند؟ و اینکه دور برد آینده‌نگری آنان به چه میزان بوده و تا چه حد توانسته‌اند در برقراری تعامل بین تدوین برنامه‌ها و ارائه الگوی اجرایی آن‌ها و در نهایت اجرای این راهبردها موفق ظاهر شوند. با استناد به آنچه که مطرح گردید مطالعه حاضر درصدد است به شناسایی عوامل موثر بر استعدادیابی ورزشی در نظام آموزش و پرورش ایران بپردازد.

^۱ Mahlangu, Njoko & Lethoko

^۲ Blake

^۳ Callan

^۴ Hugo

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف بنیادی، از نظر روش شناسی کیفی با استفاده از نظریه داده بنیاد، مبتنی بر رویکرد گلنزر^۱ (۱۹۷۸) بود. جامعه آماری این پژوهش را ۱۵ نفر از صاحب نظران (اعضای هیئت علمی دانشگاه، روسای فدراسیون‌های ورزشی، روسای کمیته‌های استعدادیابی، معاونت تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش و مربیان ورزشی) تشکیل دادند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام گرفت و تا رسیدن مصاحبه‌ها به مرحله اشباع نظری ادامه یافت. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته جمع‌آوری شدند. این پژوهش شامل چندین مرحله بود. بدین صورت که پژوهشگر بعد از پیاده‌سازی مصاحبه‌های انجام‌شده، کدهای مفهومی را از متن مصاحبه‌ها شناسایی کرد. متن مصاحبه‌ها تجزیه و تحلیل شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها هم‌زمان و به‌طور مستمر با جمع‌آوری داده‌ها انجام گرفت. با استفاده از این روش، مفاهیم آشکار و پنهان مشخص شدند. در این پژوهش، سه مرحله کدگذاری: کدگذاری اولیه^۲، کدگذاری محوری^۳ و کدگذاری انتخابی^۴ اجرا شد. در کدگذاری اولیه، متن هر مصاحبه چند بار خوانده شد و جملات اصلی آن استخراج شده و به‌صورت کدهایی ثبت شدند. در کدگذاری اولیه، پژوهشگر از کلمات مورد استفاده مصاحبه‌شوندگان و کدهای دلالت‌کننده (برداشت‌های پژوهشگر از گفته‌ها) استفاده کرد. سپس، کدهایی که به‌لحاظ مفهومی با یکدیگر مشابه بودند، در یک دسته قرار گرفتند. در فرایند کدگذاری، واحدهای معنایی از بیان و گفته‌های مشارکت‌کنندگان که نشان‌دهنده تجارب آن‌ها بود، استخراج شدند و پس از کدگذاری و خلاصه‌کردن داده‌ها بر اساس تشابهات و تفاوت‌ها، طبقه‌بندی کدها انجام گردید، طبقات با هم مقایسه شدند و از تحلیل و تفسیر این داده‌ها، درون‌مایه‌ها یا مقوله‌های انتزاعی‌تر استخراج شدند. در کدگذاری محوری، پژوهشگر یک مقوله کدگذاری اولیه را انتخاب می‌کند و آن را به‌عنوان مقوله یا پدیده اصلی، در مرکز فرایند قرار می‌دهد. سپس، سایر مقوله‌های مرتبط با آن را در آن دسته قرار می‌دهد. در این مرحله، کدها و دسته‌های اولیه که در کدگذاری اولیه ایجاد شدند، با یکدیگر مقایسه شدند و علاوه بر ادغام موارد مشابه، دسته‌هایی که به یکدیگر مربوط می‌شدند، حول محور مشترکی قرار گرفتند. برای توسعه مفاهیم، در مرحله کاستن، طبقه‌هایی که با هم ارتباط داشتند، در یک طبقه قرار گرفتند. در مرحله آخر، فرایند کدگذاری انتخابی اجرا شد. در این مرحله، طبقه‌ای که بیشترین فراوانی را داشت، متغیر اصلی در نظر گرفته شد. در این پژوهش، استعدادیابی ورزشی، مقوله اصلی در نظر گرفته شد و بقیه متغیرها، حول محور آن قرار گرفتند. روایی پژوهش بر اساس چهار معیار اعتبار (سه سویه سازی، مشارکت طولانی مدت و تحلیل موارد مخالف)، قابلیت تأیید (بررسی اعضا و بازنگری دقیق)، قابلیت اطمینان (کدگذاری مطالعات و بررسی داده‌ها) و قابلیت انتقال (توصیف دقیق و بیان فرضیه‌ها) که توسط گوبا و لینکلن^۵ (۱۹۸۹) جهت تضمین دقت علمی در پژوهش کیفی پیشنهاد گردید، استفاده و مورد تایید گرفت. همچنین با استفاده از پایایی بازآزمون پایایی گزارش شد.

$$\text{درصد پایایی باز آزمون} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 100\%}{\text{تعداد کل کدها} \times 2}$$

^۱ Glaser

^۲ Open Coding

^۳ Axial Coding

^۴ Selective Coding

^۵ Guba & Lincoln

جدول ۱. میزان درصد پایایی از طریق روش کدگذاری مجدد

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی
۱	P۲	۹	۴	۲	۰/۸۸۸
۲	P۵	۱۲	۵	۲	۰/۸۳۳
۳	P۱۱	۷	۳	۱	۰/۸۵۷
	کل	۲۸	۱۲	۵	۰/۸۵۷

یافته‌های پژوهش

جدول ۲. توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه شونده‌گان

جمع کل		متغیر	
درصد	تعداد		
۵۳/۳	۸	جنسیت	
۴۶/۷	۷	مرد	
۱۳/۳	۲	زن	
۴۰/۰	۶	تحصیلات	
۴۶/۷	۷	کارشناسی ارشد	
۳۳/۴	۵	دانشجویان دکتری	
۱۳/۳	۲	دکتری	
۱۳/۳	۲	اعضای هیئت علمی	اساتید دانشگاه
۱۳/۳	۲	فدراسیون ورزش‌های همگانی	روسای فدراسیون
۱۳/۳	۲	فدراسیون ورزش دانش‌آموزی	
۶/۷	۱	معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش	
۲۰/۰	۳	روسای کمیته استعدادیابی	
۱۳/۳	۲	مربیان استعدادیابی	

در این روش پس از گردآوری داده‌ها و تنظیم آنها به صورت نوشتاری، بخش‌هایی از متن‌های نوشتاری مثل عبارت و یا جمله انتخاب و به صورت اطلاعات کدگذاری شده، شماره‌گذاری شدند. در ضمن کدگذاری باز، داده‌ها به بخش‌های مجزا خرد شدند و برای به دست آوردن مشابهت‌ها و تفاوت‌ها، با دقت بررسی شدند و پرسش‌هایی درباره پدیده‌ها که داده‌ها حاکی از آنها، مطرح شدند. پس از تلخیص اولیه داده‌ها و حذف جملات زائد و تکراری از جملات مصاحبه، مفاهیم اولیه مصاحبه‌ها (مرحله کدگذاری اولیه) شامل ۹۴ کد اولیه بود.

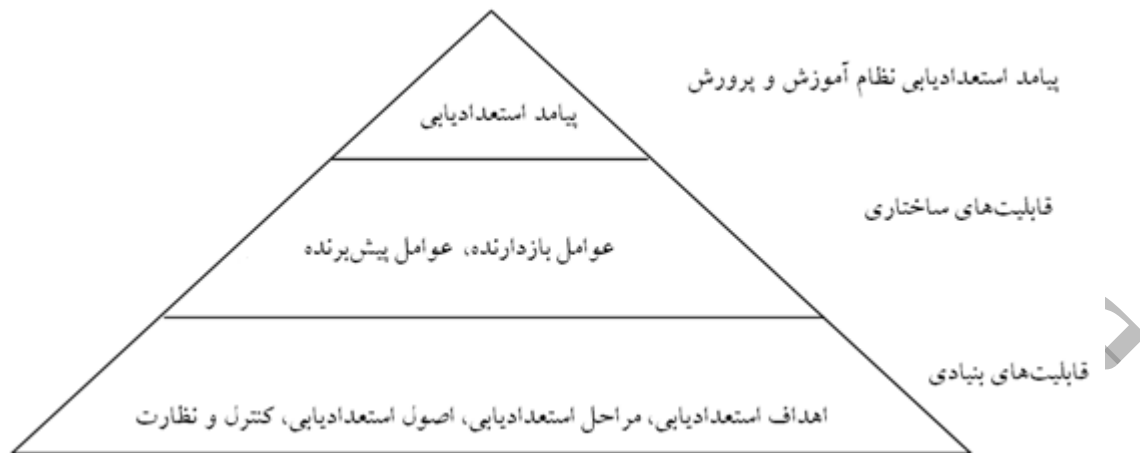
جدول ۳. کدبندی اولیه و کد محوری

مقوله	مفهوم	کد اولیه
عوامل بازدارنده	موانع زمینه‌ای	بی‌ثباتی و ناپایدار بودن ویژگی‌های جسمانی - بلوغ - استعداد به عنوان مفهومی پویا - علاقه به ورزش مورد نظر
	موانع حمایتی و مالی	بودجه محدود آموزش و پرورش در خصوص برنامه‌های استعدادیابی در مدارس - حضور کمرنگ بخش خصوصی در ورزش - تخصیص منابع مالی محدود برای استعدادیابی توسط سازمان‌های مربوطه - کمبود امکانات مالی و مادی - عدم حمایت از ورزشکاران با استعداد - عدم همکاری آموزش و پرورش با باشگاه‌ها
	موانع رسانه‌ای	نگاه ویژه رسانه‌ها به ورزش‌های خاص - نپرداختن به اهمیت استعدادیابی در رسانه‌های گروهی - عدم وجود برنامه‌های تخصصی در تلویزیون
	موانع سازمانی	آشنا نبودن با روش‌های استعدادیابی - عدم وجود سیستم نظارت و ارزیابی در مدارس و باشگاه‌های ورزشی - وجود افراد سودجو در مدارس و باشگاه‌ها
	موانع مدیریتی	ثبات اندک مدیریت - مدیریت‌های سلیقه‌ای - عدم مدیریت صحیح - عدم اعتقاد مدیران فدراسیون به اجرای طرح استعدادیابی - ثبات اندک مربیان استعدادیاب
	موانع زیر ساختی	نبود الگوی استعدادیابی در ایران - استفاده نکردن از الگوی جهانی استعدادیابی - عدم هماهنگی لازم بین سازمان‌های ورزشی - همسو نبودن برنامه‌های استعدادیابی سازمان‌های ورزشی - عدم تربیت افراد متخصص در امر استعدادیابی - نداشتن برنامه اصولی برای استعدادیابی - تعامل اندک باشگاه‌ها با ورزش مدارس - عدم وجود برنامه مدورن و متوالی در زمینه استعدادیابی در ورزش کشور - کمبود مربیان تربیت‌بدنی در مدارس - عدم وجود امکانات در مدارس - توجه نکردن به مناطق محروم
	موانع فرهنگی	تصورات اشتباه خانواده‌ها نسبت به بعضی رشته‌های ورزشی - عدم همکاری خانواده‌ها - عدم اعتماد خانواده‌ها به مربیان استعدادیاب
	موانع ساختاری	نبود ارتباطات بین‌المللی در امر ورزش - مشخص نبودن متولی استعدادیابی در ساختار ورزش کشور - نبود کمیته‌های تخصصی استعدادیابی در مدارس و باشگاه‌ها - کمبود آگاهی از صرفه اقتصادی استعدادیابی در ورزش - عملکرد ضعیف سازمان‌های ورزشی در امر استعدادیابی
عوامل پیش‌برنده	ظرفیت رشد	سرمایه‌گذاری - مجهز کردن مدارس به امکانات و تجهیزات - پرورش مربیان استعدادیاب - همکاری آموزش و پرورش با دانشگاه - توجه به ورزش دختران - تأسیس مدارس مخصوص ورزش‌های تیمی و انفرادی - نیروی انسانی متخصص
	بستر توسعه	استفاده از تجارب کشورهای مختلف - برنامه‌ریزی - آمایش و قطب‌بندی ورزش‌ها در نقاط مختلف کشور - فعالیت پایگاه‌های قهرمانی - شایسته‌سالاری در تعیین مدیران و مربیان ورزشی
اهداف استعدادیابی	انگیزه	ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان - تشویق دانش‌آموزان برای حضور در ورزش - افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان

	مهارت و تخصص	رسیدن به اجراهای بهینه ورزشی- ارتقاء سطح ورزشی- افزایش روند ورزش قهرمانی- جلوگیری از خروج قهرمانان جوان از میادین ورزش- کشف، جذب و پرورش استعدادها و ورزشی در سطح کشور
مراحل استعدادیابی	مرحله مقدماتی	شناسایی توانایی‌ها پایه ورزشکار- توانایی بیومتریکی- آزمون پزشکی- آزمون جسمانی- پیکرسنجی
	مرحله ثانویه	رشد همه جانبه و کامل- هدایت افراد به ورزش‌های خاص براساس توانایی‌ها- آزمون روان‌شناختی- آزمون فیزیولوژیکی- تخصصی شدن ورزش
	مرحله نهایی	دستیابی به اوج عملکرد ورزشی- عضویت در تیم‌های ملی- افزایش مدت زمان قهرمانی
کنترل و نظارت	نظارت	هزینه بر بودن فرایند استعدادیابی- فرایند استعداد نیازمند ابزار پیشرفته و آزمایشگاه‌های مدرن است- قدرت پیش‌بینی آزمون‌های استعدادیابی برای آینده کافی نیست
	شاخص‌های سنجش	پیچیده بودن روش‌های استعدادیابی- دشوار بودن پیش‌بینی عملکردهای تخصصی- سخت بودن تشخیص استعداد- نامعلوم بودن سن مناسب برای تشخیص استعداد- عدم پیگیری فرایند استعدادیابی
اصول استعدادیابی	اصول	روش‌های انتخاب باید اصول لازم را داشته باشند- از تخصصی کردن زود هنگام خردسالان در یک ورزش باید خودداری شود- متغیرهای پایدار ارثی مورد توجه قرار گیرد- در امر استعدادیابی باید از علوم و متخصصین مختلف استفاده شود- اولویت عوامل پایدار غیرقابل جبران نسبت به سایر عوامل- فرد مستعد باید از بین بیشترین تعداد افراد ممکن انتخاب شود- رعایت جنبه‌های انسانی و دموکراسی- فرایند استعدادیابی بایستی برنامه‌ریزی شده باشد- استعدادیابی را بایستی به عنوان بخشی از پرورش استعدادیابی نگریست
پیامد استعدادیابی	استفاده بهینه	استفاده بهینه از امکانات و منابع- همکاری‌های بین سازمان‌های ورزشی- صرفه جویی در وقت- صرفه جویی در هزینه- بالا رفتن سرعت در یادگیری- انتخاب بهترین‌ها

جدول ۴. کدگذاری انتخابی

کد انتخابی	مقوله	نشانه‌گر
قابلیت‌های ساختاری	عوامل بازدارنده	P _۱ , P _۲ , P _۳ , P _۵ , P _۶ , P _۷
	عوامل پیش‌برنده	P _۱ , P _۴ , P _۵ , P _۷ , P _۹ , P _{۱۰} , P _{۱۱} , P _{۱۲}
قابلیت‌های بنیادی	اهداف استعدادیابی	P _۲ , P _۴ , P _۵ , P _۶ , P _۷ , P _{۱۰} , P _{۱۲} , P _{۱۴}
	مراحل استعدادیابی	P _۷ , P _۸ , P _۹ , P _{۱۰} , P _{۱۱} , P _{۱۳} , P _{۱۵}
	اصول استعدادیابی	P _۱ , P _۸ , P _{۱۰} , P _{۱۲} , P _{۱۳} , P _{۱۴} , P _{۱۵}
	کنترل و نظارت	P _۵ , P _۸ , P _{۱۲} , P _{۱۵}
پیامد استعدادیابی نظام آموزش و پرورش	پیامد استعدادیابی	P _۲ , P _۵ , P _۶ , P _۷ , P _۷ , P _{۱۰} , P _{۱۱} , P _{۱۵}



شکل ۱- مدل استعدادیابی ورزشی در نظام آموزش و پرورش ایران

با استناد به شکل ۱، فرایند مدل استعدادیابی ورزشی در نظام آموزش و پرورش ایران از ۳ مرحله تشکیل شده است در مرحله نخست که قابلیت‌های بنیادی است و فعالیت‌های که در این مرحله بایستی اجرایی شود در مدل تشریح شده است. همچنین مرحله دوم قابلیت‌های ساختاری مرحله بعد استعدادیابی بشمار می‌آید و در نهایت آخرین مرحله از فرایند استعدادیابی ورزشی در نظام آموزش و پرورش ایران که پیامد استعدادیابی نظام آموزش و پرورش نامیده می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مفاهیم بسیار مهم در علوم ورزشی و تربیت‌بدنی، فرآیند شناسایی استعداد است. معنای لغوی شناسایی استعداد ورزشی، انتخاب افرادی است که در مقایسه با سایرین، توانایی بیشتری برای انجام مهارت‌های یک رشته ورزشی خاص دارند. امروزه، همه کشورهای دنیا برای کسب مدال‌های طلا، نقره و برنز رقابت‌های جهانی و المپیک برنامه‌ریزی‌های زیربنایی چشم‌گیری می‌کنند. در طی نیم قرن گذشته مریبان ورزشی، متخصصین علم تمرین و دانشمندان علوم ورزشی همواره به طور غیررسمی و سنتی و از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد به شکل رسمی و علمی تلاش نموده‌اند تا استعدادهای ورزشی را در رشته‌های مختلف ورزشی شناسایی و گزینش نموده و با اجرای برنامه‌های آموزشی از پیش تعیین شده و مبتنی بر توانایی‌های ذاتی آنان را تربیت و پرورش دهند. به این منظور مطالعه حاضر با هدف تدوین مدل استعدادیابی ورزشی در نظام آموزش و پرورش ایران انجام شد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان داد که مدل استعدادیابی ورزشی در نظام آموزش و پرورش ایران شامل سه مرحله (۱) قابلیت‌های بنیادی، (۲) قابلیت‌های ساختاری و (۳) پیامد استعدادیابی است.

قابلیت‌های ساختاری شامل سه مقوله (۱) عوامل بازدارنده، (۲) عوامل مؤثر بر استعداد و (۳) عوامل پیش‌برنده بود. عوامل بازدارنده از مهم‌ترین مقوله‌های قابلیت‌های ساختاری بود؛ عوامل بازدارنده سبب می‌شود که فرایند استعدادیابی با چالش همراه شود و نهاد متولی و مسئولان را در رسیدن به اهداف استعدادیابی ناکام بگذارد. بر این اساس، لازم است این عوامل و مکانیسم اثر آنها شناخته شود تا با ترفیع آن‌ها فرایند استعدادیابی در مسیر درست حرکت نماید. یکی از این عوامل بازدارنده به گواه کارشناسان و با بررسی‌های که از اسناد مربوطه به عمل آمد، موانع زمینه‌ای است. موانع زمینه‌ای در این پژوهش مشمول بی‌ثباتی و ناپایدار بودن

ویژگی‌های جسمانی، بلوغ، استعداد به عنوان مفهومی پویا و استفاده از متغیرهای محدود بود. این موانع همواره در محیط‌های استعدادیابی و در فرایند استعدادیابی وجود دارند یکی از راه‌های مؤثر بر کنترل اثر این موانع برنامه‌ریزی صحیح می‌باشد که بتواند محیط و شرایط استعدادیابی را پیش‌بینی کند. هر اندازه متولی امر استعدادیابی در این راه موفق عمل کند و بتواند شرایط زمینه‌ای را که همواره قابل کنترل نیست پیش‌بینی نماید این احتمال وجود دارد که این مانع چندان سد راه فرایند استعدادیابی مشکل‌آفرینی نکند. با این حال بخش اعظمی از مشکلات استعدادیابی به طرح استعدادیابی مربوط می‌شود که در بخش‌های تدوین، اجرا و ساختار مورد توجه قرار گرفته است. از جمله مفاهیمی که عوامل بازدارنده تشکیل می‌دهد، می‌توان به موانع زمینه‌ای، موانع حمایتی و مالی، موانع رسانه‌ای، موانع سازمانی، موانع مدیریتی، موانع زیر ساختی، موانع فرهنگی و موانع ساختاری اشاره کرد، عوامل نام‌برده شده پیش‌ترین سهم عوامل بازدارنده در تدوین مدل استعدادیابی ورزشی در نظام آموزش و پرورش ایران را داشتند. لذا لازم است برای ترفیع موانع زمینه‌ای بیشتر بر روی این عوامل تمرکز شود. ضمن پرداختن به موانع لازم است موانع ساختاری و موانع حمایتی و مالی نیز مورد توجه قرار گیرد. این یافته‌ها تاحدودی با نتایج مطالعه دوستداری خسروخانی (۱۳۹۱) و حسینی و همکاران (۱۳۹۲) همخوان است. همچنین حسینی و همکاران (۱۳۹۲) در زمینه بررسی و شناسایی عوامل راهبردی (نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید)، استعدادیابی در ورزش قهرمانی جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه رسیدند که استعدادیابی در ورزش قهرمانی کشور با وجود برخورداری از نقاط قوت و فرصت‌هایی همچون کثرت جمعیت جوان سرشار از استعداد در کشور، وجود اساتید متخصص و دانشکده‌های تربیت بدنی در کلیه مراکز استانی و برخی شهرستان‌های کشور، توجه مسئولین کشور به ورزش قهرمانی، وجود دفتر استعدادیابی در سازمان تربیت بدنی، وجود پایگاه‌های ویژه استعدادیابی و قهرمانی در ادارات تربیت بدنی مراکز استان‌ها با ضعف‌ها و تهدیدهایی از قبیل فعال نبودن وزارت آموزش و پرورش در امر استعدادیابی، نبود نظام آمایش و قطب‌بندی ورزش‌ها در نقاط مختلف کشور، فقدان طرح یکپارچه، اجرایی و ساختارمند در استعدادیابی، کمبود امکانات و تجهیزات مناسب برای استعدادیابی، سهم اندک باشگاه‌های ورزشی در پرورش استعداد، تقدم اقدامات سلیقه‌ای بر اجرای برنامه‌های راهبردی در بین برخی از مدیران ورزش کشور و تمرکز مسئولین ورزش کشور و رسانه‌های گروهی بر نتیجه‌گرایی در ورزش به جای فرایند‌گرایی، مواجه می‌باشد. یکی دیگر از مقوله‌های اصلی قابلیت‌های ساختاری عوامل پیش‌برنده بود؛ در این پژوهش منظور از عوامل پیش‌برنده عواملی است که فرایند استعدادیابی را تسهیل می‌کند و به عنوان محرکی مؤثر سبب می‌شود فرایند استعدادیابی مطلوب باشد. تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان داد که این عوامل در قالب ۱۲ کد اولیه و دو مفهوم (۱) ظرفیت رشد و (۲) بستر توسعه بود. این یافته با یافته‌های مطالعه کالان^۱ (۲۰۱۵) و روشنی (۱۳۹۴) همخوان است. نتایج مطالعه کالان (۲۰۱۵) نشان داد که در صورت آشنایی مربیان با شاخص‌های استعدادیابی راحت‌تر می‌توانند کودکان مستعد و توانا را شناسایی کنند و در میسر درست قرار داد (کالان، ۲۰۱۵).

دیگر نتایج بیانگر آن بود که قابلیت‌های بنیادی شامل چهار مقوله (۱) اهداف استعدادیابی، (۲) مراحل استعدادیابی، (۳) اصول استعدادیابی و (۴) کنترل و نظارت بود. یکی از مهم‌ترین مقوله‌های قابلیت‌های بنیادی مراحل استعدادیابی است؛ استعداد ورزشی تحت تأثیر شرایط محیطی و ژنتیکی و به روشی بی‌نهایت پیچیده تعیین می‌شود. در نتیجه هنوز هیچ توافق بین‌المللی یا حتی ملی در رابطه با تئوری و روش کشف، انتخاب و تمرین ورزشکاران مستعد وجود ندارد. در اغلب کشورها هنوز این مربی یا متخصص ورزشی است که به جستجو و انتخاب ورزشکاران مستعد می‌پردازد. با این حال، در تعدادی از کشورها که در ورزش موفق

^۱ Callan

هستند توجه زیادی بر توسعه و کاربرد مدل های سیستماتیک استعدادیابی معطوف شده است از جمله این کشورها می توان کشورهای بلوک شرق اروپا، چین و استرالیا را نام برد که همگی از روش های توسعه یکسانی برای مدل های استعدادیابی استفاده می کنند. نخست اینکه همه آنها از مدل انتخاب مرحله به مرحله استفاده می کنند. بدین معنی که در فرآیند جستجوی اولیه تمرکز بر توانایی عمومی در ورزش ها قرار دارد و در مرحله پیشرفته تر استانداردها دقیق تر می شوند و به طور فزایندهای بر ورزش های خاصی معطوف می شوند. با ارزیابی و تأیید این عوامل و تولید نورم های ارزیابی است که مدل ها به وجود می آیند. این امر با جمع آوری انبوهی از اطلاعات به وسیله ارزیابی ورزشکاران با توجه به سن و با اتخاذ رویکردهای مختلف امکان پذیر است. به عنوان نمونه آلمان شرقی برای توسعه یک نیم رخ، رشد جنه^{۲۰۰۰} کودک را در طی یک بازه زمانی ۶ ساله اندازه گیری کرد که بر اساس آن یک پروژه استاندارد که ۲۵ سال طول کشید بنا شد. همچنین نتایج مطالعات هادوی (۱۳۷۹) نشان داد که الگوی نظری مشتمل بر سه مرحله است و تا حدود زیادی همخوان با مراحل استعدادیابی در این مطالعه می باشد. در مرحله اول که افراد بین ۶ تا ۱۰ سال وارد آن می شوند، فعالیت های عمومی تربیت بدنی مدرسه کماکان ادامه می یابد و در طول آن از این افراد آزمون های سلامتی عمومی پزشکی، بررسی های پیکرسنجی و اندازه گیری های حرکتی انجام می شود. مرحله دوم استعدادیابی بین سنین ۱۱ تا ۱۶ سالگی پیشنهاد شده است و در این مدت طی تمرینات تیم های آموزشی و باشگاهی افراد بر اساس آزمون های پزشکی، پیکر سنجی، فیزیولوژیکی و روان شناختی برای ورزش های مختلف طبقه بندی می شوند. در پایان این مرحله، گروهی که به آزمون ها جواب مثبت داده اند به مرحله سوم می روند و گروهی که نیاز به تمرینات و بررسی های بیشتر دارند در یک نظام جبرانی و انتخاب مجدد وارد خواهند شد. مرحله سوم از ۱۶ سال به بعد آغاز می شود و تا انتخاب نهایی برای پرداختن به تمرینات تخصصی ورزشی و جذب در تیم های ملی ادامه پیدا می کند. در مرحله سوم نیز یک دوره جبرانی و انتخاب مجدد براساس آزمون های پزشکی، فیزیولوژیکی و روان شناختی وجود دارد تا تنها افراد شایسته بتوانند در آن شناسایی شوند. گروه منتخب برای رسیدن به اوج عملکرد ورزشی در تمرینات تیم های ملی حضور پیدا می کنند و در مسابقات ملی، قاره ای و جهانی شرکت می کنند. یکی دیگر از مهم ترین مقوله های قابلیت های بنیادی کنترل و نظارت است، که در در قالب نه کد اولیه و ۲ مفهوم نظارت و شاخص های سنجش بود. براساس دیدگاه کو و همکاران^۱ (۲۰۰۳) فرآیند استعدادیابی به تعداد قابل ملاحظه ای متخصص، ابزار پیشرفته و آزمایش های تجربی و آزمایشگاهی نیاز دارد این ویژگی ها سبب شده است فعالیت های استعدادیابی ضمن اینکه پر خرج و وقت گیر باشد در عین حال پیچیده نیز باشد. چرا که توانایی های حرکتی ارثی بوده و با تمرین تغییر نمی کنند، ولی گزینش و استفاده از این توانایی ها با تمرین تغییر می کند. لذا پیش بینی عملکردهای تخصصی دشوار می شود از طرفی فرآیند استعدادیابی مشکل است و پس از آن پیگیری مصرا نه نیاز دارد (کو و همکاران، ۲۰۰۳).

همچنین اصول استعدادیابی جز مهم ترین مقوله های قابلیت های بنیادی است. از نظر صاحب نظران روش های منتخب بایستی روایی و پایایی لازم را داشته باشد و فرد مستعد باید از بیشترین تعداد ممکن انتخاب شود نسبت به سایر مفاهیم اهمیت بیشتری داشتند. منظور از اینکه روش های منتخب بایستی روایی و پایایی لازم را داشته باشد و در اصول استعدادیابی نیز پیش تر به آن اشاره شده است، این است که روش های استعدادیابی چیزی را که قصد اندازه گیری آن را دارند به درستی بسنجد و نتایج آن در طول زمان معین و تحت شرایط مشابه و با روش های کار مشابه تغییر چندانی نداشته باشد. و معنی این که فرد مستعد از بیشترین تعداد ممکن انتخاب شود این است که افراد مستعد همواره شناسایی شوند و از بین جامعه این افراد به صورت گزینشی افرادی که

^۱ Ko et al

بیشترین صلاحیت‌ها را دارند انتخاب شود. زمانیکه افراد مستعد به درستی شناسایی نشوند و عمل انتخاب استعدادها برتر نیز از بین این افراد صورت نگیرد می‌توان گفت که فرایند استعدادیابی در مسیر درستی حرکت نکرده است.

آخرین مرحله مدل استعدادیابی ورزشی در نظام آموزش و پرورش ایران پیامد استعدادیابی است. که شامل از ۱۵ کد اولیه و دو مفهوم (۱) نتایج استعدادیابی و (۲) استفاده بهینه بود. با فروپاشی تدریجی نظام سرسخت و تا اندازه‌ای غیراخلاقی رایج در کشورهای اروپایی شرقی در رابطه با شناسایی و گزینش استعدادهای ورزشی و تربیت اجباری آنها به منظور استفاده اجباری در راستای پژوهش اهداف سیاسی و اقتصادی نظام حکومتی آنان، تا اندازه‌ای ناپسندی و زشتی افکار عمومی در جهان نسبت به این امر زده شده است. لذا امروز شاهد هستیم که اکثر کشورهای صنعتی و توسعه یافته در دنیا به طرق مختلف سعی در تربیت و معرفی قهرمانان ورزشی، به عنوان نمادی از پیشرفت و توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی خود دارند (میلر^۱، ۲۰۱۹). از طرفی بالا بودن هزینه‌های زمانی و مالی تربیت ورزشکاران زنده و کارآمد، دست‌اندرکاران امور ورزشی را وادار به شناسایی افراد برتر در ورزش‌های به خصوص کرده است، به طوری که تعداد محدودی از کودکان و نوجوانان را که استعداد بیشتری در ورزش مورد نظر دارند، انتخاب کرده و سال‌های متمادی به پرورش و تربیت آنان می‌پردازند. فرایند استعدادیابی و گزینش افراد برتر در ورزش، از طرفی فرصتی در اختیار مربیان و متخصصان قرار می‌دهد تا هزینه و وقت خود را صرف تعداد معدودی از ورزشکاران کرده و به صورت بهینه با گروه ویژه‌ای به تمرین بپردازند. از سوی دیگر، در این وضعیت ورزشکارانی که شانس موفقیت بیشتری دارند انتخاب شده و فرصت زیادی برای تمرین و ممارست پیدا می‌کنند و پیامد آن تربیت قهرمانان آینده خواهد بود (تاوولسون و همکاران^۲، ۲۰۱۹). با عنایت به نظر صاحب‌نظران در این پژوهش و بررسی اسنادی که انجام گرفت مشخص گردید که پیامدهای استعدادیابی مشمول گسترش بستر برای افراد مستعد می‌شود، از تنیدگی روانی، سرخوردگی و ناامیدی در آینده جلوگیری می‌کند، احتمال بروز آسیب‌های حاصل از ورزش را کاهش می‌دهد، از امکانات و منابع استفاده بهینه می‌شود، همکاری‌های بین بخشی شکل می‌گیرد، در وقت و هزینه صرفه جویی بعمل می‌آید، اعتماد به نفس ورزشکاران و مربیان و کیفیت عملکرد مربیان افزایش پیدا می‌کند، سرعت در یادگیری بهبود پیدا می‌کند، بهترین‌ها انتخاب می‌شوند، درصد شانس قهرمانی افزایش پیدا می‌کند و زمان رسیدن به سطوح قهرمانی کوتاه می‌شود.

بر اساس نتایج به‌دست آمده پیشنهاد می‌گردد موانع مرتفع گردند. برای تحقق چنین هدفی داشتن برنامه اصولی برای استعدادیابی، ارائه طرحی جامع در جهت استعدادیابی و تخصیص منابع مالی کافی و وافی به امر استعدادیابی و برقراری ارتباط سازنده بین نهادهای متولی استعدادیابی می‌تواند مؤثر باشد. همچنین به موجب اینکه فرایند استعدادیابی یک فرایند پیچیده، زمان‌بر و هزینه‌بردار است و سرانجام آن لازم است برآیند مطلوب وجود داشته باشد پیشنهاد می‌گردد محرک‌های تسهیل‌کننده این فرایند بیش از پیش تقویت شود. برای این منظور لازم است از تجربیات کشورهای صاحب سبک استفاده شود، امکانات و ابزار بروز تأمین گردد، نیروی انسانی متخصص که بتواند در امر استعدادیابی فعالیت کند پرورش یابد و مدارسی که به صورت ویژه به ورزش‌های گروهی و انفرادی می‌پردازند احداث گردد. علاوه بر این از آنجایی قدرت پیش‌بینی آزمون‌های استعدادیابی برای آینده کافی نیست و پیش‌بینی عملکردهای تخصصی دشوار است. پیشنهاد می‌گردد در امر استعدادیابی به اصول مطرح شده در ارتباط با آن توجه شود. برای مثال روش‌های استعدادیابی بایستی روایی و پایایی لازم را داشته باشند، از تخصصی کردن زود هنگام خردسالان در یک ورزش خاص باید خودداری شود، متغیرهای پایدار ارثی همواره مورد توجه قرار گیرد، در امر استعدادیابی از

^۱ Miller

^۲ Towlson et al

علوم و متخصصین مختلف استفاده شود، اولویت عوامل پایدار غیرقابل جبران نسبت به سایر عوامل در دستور کار قرار گیرد، فرد مستعد از بیشترین تعداد ممکن انتخاب شود، جنبه‌های انسانی و دموکراسی استعدادیابی مورد توجه قرار گیرد و فرایند استعدادیابی همراه با برنامه‌ریزی باشد.

محدودیت‌هایی که در پژوهش تعیین شده: ۱- شرکت‌کنندگان به دلیل اینکه از جامعه آماری مشخصی انتخاب شدند، لذا نتایج پژوهش فقط قابل تعمیم به این جامعه آماری می‌باشد. ۲- حوزه پژوهش محدود به استعدادیابی ورزشی در نظام آموزش و پرورش ایران بود. محدودیت‌هایی که خارج از کنترل پژوهشگر می‌توانند بر نتایج پژوهش اثر داشته باشند: ۱- محدودیت‌های ساختاری، مقررات و ضوابط سازمان و نوع روابط انسانی می‌تواند بر یافته‌های پژوهش اثر گذار باشد. ۲- ملاحظات انسانی می‌تواند در پاسخ افراد به سوالات مصاحبه موثر واقع گردد.

منابع

۱. ابراهیم، خسرو، حلاجی، محسن. (۱۳۹۱). **آشنایی با مبانی نظری فرایند استعداد یابی ورزشی**. ناشر بامداد کتاب.
۲. اسدی نوید، گودرزی محمود، سجادی سیدنصرالله، علی دوست قهفرخی ابراهیم. (۱۳۹۶). بررسی منابع استعدادیابی در ورزش ایران. رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. ۵ (۱۸): ۲۳-۳۲.
۳. حسینی، سیدشاهو، حمیدی، مهرزاد، قربانان رحیمی، آسیه، سجادی، سیدنصرالله. (۱۳۹۲). **شناسایی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای استعدادیابی در ورزش قهرمانی جمهوری اسلامی ایران و تنگناها و چالش‌های فراروی آن**. مدیریت ورزشی، ۱۷، صص ۵۴-۲۹.
۴. دوستداری خسروخانی، سجاد. (۱۳۹۱). **تدوین شاخص‌های استعدادیابی فوتبال و ارائه راهکارها برای پرورش استعدادها از نظر مربیان رده‌های پایین استان تهران**. پایان‌نامه ارشد تربیت بدنی، تهران مرکز.
۵. روشنی، فرناز. (۱۳۹۴). **استعدادیابی در ورزش بسکتبال دختران متوسطه اسلامشهر تهران**. پایان‌نامه ارشد تربیت بدنی، مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی ایران.
۶. محمدی، بنفشه. (۱۳۹۱). **استعدادیابی ورزشی**. چاپ اول. تهران، نشر علم و حرکت.
۷. هادوی، فریده. (۱۳۷۹). **استانداردهای استعدادیابی ورزشی**. معاونت ورزشی و امور فدراسیون‌ها، دفتر پایگاه‌های قهرمانی و امور باشگاه‌ها.

۸. Bailey, R., & Collins, D. (۲۰۱۳). **The standard model of talent development and its discontents**. *Kinesiology Review*, ۲(۴), ۲۴۸-۲۵۹.
۹. Bompa, T. O., & Buzzichelli, C. (۲۰۱۹). **Periodization-: theory and methodology of training**. *Human kinetics*.
۱۰. Brown, J. (۲۰۰۱). **Sports talent**. *Human kinetics*.
۱۱. Callan, M. **The scientific identification and development of talent**.
۱۲. Glaser, B. (۱۹۷۸). **Theoretical sensitivity**. *Advances in the methodology of grounded theory*.

١٣. Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (١٩٩٤). **Competing paradigms in qualitative research**. Handbook of qualitative research, ٢(١٩٣-١٩٤), ١٠٥.
١٤. Hirose, N., & Fukubayashi, T. (٢٠٠٨). **Possible predictor of talent identification in professional soccer players**. Sports Science Research, ٥, ١-٩.
١٥. Ko, B. G., Gu, H. M., Park, D. H., Back, J. H., Yun, S. W., Lee, M. C., ... & Shin, S. Y. (٢٠٠٣). **The Construction of Sports Talent Identification Models**. International Journal of Applied Sports Sciences, ١٥(٢).
١٦. Lidor, R., Falk, B., Arnon, M., & Cohen, Y. (٢٠٠٥). **Measurement of talent in team handball: the questionable use of motor and physical tests**. Journal of Strength and Conditioning Research, ١٩(٢), ٣١٨.
١٧. Miller, J. R. (٢٠١٩). **Strategic Audit of MLS**.
١٨. Morrow, J. R., Jackson, A. W., & Disch, J. G. (٢٠٠٠). **Measurement and evaluation in human performance**.
١٩. Pampus, B. (١٩٩٥). **Schnellkraft Training. Theorie, Methoden. Praxis**.
٢٠. Towlson, C., Cope, E., Perry, J. L., Court, D., & Levett, N. (٢٠١٩). **Practitioners' multi-disciplinary perspectives of soccer talent according to phase of development and playing position**. International Journal of Sports Science & Coaching, ١٤(٤), ٥٢٨-٥٤٠.
٢١. Williams, A. M., & Reilly, T. (٢٠٠٠). **Talent identification and development in soccer**. Journal of sports sciences, ١٨(٩), ٦٥٧-٦٦٧.